

تبیین ابعاد شخصیت سالم از دیدگاه نهج‌البلاغه و روان‌شناسان غربی

عاقله عرفانی^۱، معصومه مروی^۲

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین مسائل در روان‌شناسی، مفهوم شخصیت و نظریه‌های مرتبط با آن است که دراین‌مورد رویکردها و نظریات مختلفی مطرح شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد و ویژگی‌های شخصیت سالم از دیدگاه نهج‌البلاغه و روان‌شناسان غربی به‌روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که شخصیت سالم از دیدگاه نهج‌البلاغه برمبنای محکمی مانند خداباوری استوار می‌شود که آثار مهمی بر شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیت سالم در انسان دارد به‌گونه‌ای که در سایه‌سار این باور الهی انسان به ویژگی‌های فردی-رفتاری مانند تواضع، صبر، تلاش، شکرگذاری، عدم حسادت، بری بودن از طمع و دوری از خشم نیز و به ویژگی‌های فردی-روانی مانند آرامش، خودآگاهی، اندیشه‌ورزی و عزت‌نفس و به ویژگی‌های مثبت اجتماعی مانند دید مثبت به دیگران، تعهد و مسئولیت، صمیمیت و مداومت در دوستی با دیگران مزین می‌شود. امید است با ایجاد باورهای صحیح در انسان و نهادینه‌سازی آن در انتخاب مسیر، گام‌های اساسی در سعادتمندی و تکامل بشر برداشته شود.

واژگان کلیدی: شخصیت، نهج‌البلاغه، شاکله، شخصیت سالم در

نهج‌البلاغه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی-تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

روان‌شناسی شخصیت از مقوله‌های بنیادی در اندیشه روان‌شناسان معاصر است. تأمل در نظریات و آرای روان‌شناسان نشان می‌دهد که آنها در معرفی ملاک‌های شخصیت سالم نظر واحدی ندارند. از آنجاکه تأثیر مبانی فلسفی در حوزه روان‌شناسی حقیقتی انکارناپذیر است و مکاتب مختلف روان‌شناسی در بستر معرفت‌شناسی و انسان‌شناختی رشد یافته‌اند تأثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناختی مکاتب مختلف در معرفی شخصیت سالم قابل ملاحظه است. در نگاه برخی روان‌شناسان، شخصیت سالم از متغیرهایی مانند عوامل فرهنگی و تربیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و عوامل روان‌شناختی تأثیر می‌پذیرد. (نارویی، ۱۳۹۹، ص ۸۷) بررسی علمی شخصیت در اواخر ۱۹۳۰ توسط کارگوردون آلپورت (GordenAllport) در دانشگاه هاروارد رسمیت و نظام یافت. شخصیت (personality) از واژه لاتین persona به دست آمده است و به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش بر چهره می‌زدند و ظاهر برون و علنی شخص به افراد پیرامون را نشان می‌داد. شخصیت جنبه‌های قابل روئت منش فرد به صورتی است که بر دیگران تأثیر می‌گذارد؛ یعنی آن دسته از ویژگی‌هایی که به طور نسبی پایدار و قابل پیش‌بینی هستند (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۶۸).

اسلام که آخرین دین الهی و کامل‌ترین آن است به شکل دهی شخصیت سالم و روبه کمال تأکید می‌کند. نهج‌البلاغه، جامع‌ترین کتاب جهان اسلام بعد از قرآن کریم منبعی برای درک موضوعات روان‌شناسی از جمله شخصیت، ابعاد و مؤلفه‌های آن است. بررسی متون نهج‌البلاغه و روایات نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام با اشراف کامل به شناخت انسان و ابعاد آن برای پرورش بعد روان‌شناختی توصیه‌هایی کرده است که خارج از زمان و مکان، کارآمد و اثربخش است. (رحیمیان بوگر، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲) پژوهش حاضر باروش توصیفی-تحلیلی و با ارجاع به منابع کتابخانه‌ای درصدد تبیین ویژگی‌های شخصیت سالم از دیدگاه نهج‌البلاغه و برخی روان‌شناسان غربی است. در زمینه شخصیت و ویژگی‌های آن تألیفاتی موجود است که برخی از آنها عبارتند از:

- کتاب روان‌شناسی شخصیت با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت نوشته الیزابت بی. هارلوک و با ترجمه محبوبه حاج‌نوروزی که بر زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری شخصیت تأکید می‌کند.

- مقاله مقایسه صفات شخصیت و پذیرش درمیان متأهلین دارای سبک شناختی جذب‌کننده و سبک شناختی کاوش‌کننده نوشته علی رسولی. این مقاله، شیوه پردازش اطلاعات و برخورد شناختی افراد با مسائل که باعث گرایش به صفات شخصیتی و تفاوت در پذیرش یا اجتناب تجربی افراد می‌شود را بررسی می‌کند.

پژوهش حاضر، ویژگی‌های شخصیت سالم از دیدگاه نهج البلاغه و برخی روان‌شناسان غربی را بررسی می‌کند تا امتیازات و برتری نظریات منابع اسلامی در مورد ویژگی‌های شخصیت سالم بر دیگر نظریات را به‌نمایش گذارد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. شخصیت

شخصیت به معنی شرافت، رفعت و بزرگواری است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴) در اصطلاح، شخصیت معادل کلمه انگلیسی personality و personalite فرانسه است که هردو اقتباس از کلمه persona به معنی نقاب یا ماسک است که در یونان قدیم در مهمانی‌ها بر چهره می‌گذاشتند. شخصیت در روان‌شناسی به مجموعه ویژگی‌های جسمی، روان و رفتار که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند، گفته می‌شود (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۳).

۲-۲. نهج البلاغه

گزیده خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که توسط ادیب و دانشمند برجسته شیعه، سید رضی گردآوری شده است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸)

۲-۳. شاکله در لغت و اصطلاح

شاکله در لغت به معنی صورت، شکل، هیئت و مثل است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴) در اصطلاح به معنی عادت و روش فرد است. شاکله، ساخت و هیئت روانی انسان است که در اثر تعامل وراثت و محیط شکل می‌گیرد. (سالاری فر و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۸)

۳. شخصیت سالم از منظر روان‌شناسان غربی

۳-۱. فروید

فروید، شخصیت را به هشیار، نیمه‌هشیار و ناهشیار تقسیم می‌کند. سطح هشیار، تمام احساسات و تجربیات انسان را شامل می‌شود که در هر لحظه معین از آن باخبر است. سطح ناهشیار، قسمت بزرگ‌تر و نادیدنی است؛ یعنی مخزن غرایز و امیال که رفتار انسان را هدایت می‌کند، حاوی نیروی سوق دهنده در پس تمام رفتارها و مخزن نیروهاست و انسان قادر نیست آنها را ببیند و یا کنترل کند. فروید تصویری خوش‌بینانه از ماهیت انسان ارائه نداده است. او هر فرد را زیرزمین تاریکی از تعارض‌ها می‌داند که پیوسته جدالی در آن بیداد می‌کند. در نظام فروید فقط یک هدف در زندگی وجود دارد و آن کاهش دادن تنش است. همچنین مراحل رشد روانی و جنسی انسان را ساختاری ارثی قلمداد می‌کند که مبنای فیزیولوژیکی دارد، اما شکل‌گیری قسمت‌های دیگر شخصیت را در اوایل دوران کودکی و در تعامل با والدین می‌داند. وی در رابطه با موضوع اراده آزاد در برابر جبرگرایی، دیدگاه جبرگرایانه دارد. هر کاری که انسان انجام می‌دهد، به هر چیزی که فکر می‌کند و هر خوابی که می‌بیند به وسیله غرایز زندگی و مرگ تعیین شده‌اند که نیروهای دست‌نیافتنی و نادیدنی در درون انسان هستند. شخصیت بزرگسال انسان به وسیله تعامل‌هایی که قبل از ۵ سالگی روی داده‌اند، تعیین می‌شود. انسان تا زمانی که کنترل کمی دارد این تجربیات برای همیشه او را در چنگال خود نگه می‌دارد. (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵) فروید معتقد است که شخصیت انسان در پاسخ به چهار منبع فرایندهای رشد فیزیکی، ناکامی‌ها، تعارضات و تهدیدها رشد می‌کند. او معتقد است که در اثر رشد و توسعه این منابع،

انسان برای یادگیری روش‌های جدید و کاهش تنش تحت فشار قرار می‌گیرد و این یادگیری با رشد شخصیت تحقق می‌پذیرد (قلی‌زاده کلان، ۱۳۷۶، ص ۹۱).

۳-۲. یونگ

یونگ شخصیت را مرکب از چند سیستم یا دستگاه روانی می‌داند که جدا از هم هستند، ولی در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. این سیستم‌ها عبارتند از: من، خود، ناخودآگاه شخصی و عقده‌های آن و ناخودآگاه جمعی با مفاهیم کهن (پرسونا، آنیما، آنیموس و سایه). علاوه بر این سیستم‌های متصل به یکدیگر، صفاتی مانند نگرش‌های برون‌گرایی و درون‌گرایی، واکنش‌های فکر، احساس، ادراک و ابتکار نیز در نظریه یونگ اهمیت دارد. مفهوم خویشتن در تئوری یونگ محور اساسی تمام شخصیت است. برای تفهیم بهتر این سیستم‌ها باید خود، ناخودآگاه شخصی و عقده‌های آن، ناخودآگاه جمعی و مفاهیم کهن تبیین شوند. من یا خود، همان شعور یا ضمیر ناخودآگاه است که از احساسات و عواطف و به‌طور کلی از هرآنچه که معلوم شخص است و یا می‌تواند معلوم او باشد تشکیل شده است.

ناخودآگاه شخصی و عقده‌های آن، دربرگیرنده تجربه‌هایی است که زمانی آگاه بودند، ولی به دلایلی واپس زده شده یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند و یا ممکن است فراموش شده باشند. عقده‌ها نیز عبارتند از: مجموعه متشکل و سازمان‌یافته از احساسات، ادراکات، تفکرات، خاطرات، عواطف و غیره که در ناخودآگاه شخصی جای گرفته‌اند. هر عقده، یک هسته مرکزی دارد. جاذبه و کششی که این مرکز دارد نگرش مخصوصی به شخص می‌دهد و فعالیت‌های مختلف او را هدایت می‌کند. ناخودآگاه جمعی و مفاهیم کهن، جمعی از خاطرات نژادی گذشتگان است که این خاطرات را فرد به ارث می‌برد. واژه پرسونا به معنی وضع حاضر یا قیافه است که آدمی با آن در اجتماع ظاهر می‌شود، ولی این اجتماع است که با آداب، رسوم و سنت‌های خود این قیافه را به او تحمیل می‌کند. پرسونا، شخصیت اجتماعی و یا نمایشی افراد است و شخصیت حقیقی هرکس در زیر این ماسک قرار دارد. آنیما و آنیموس به معنی خصوصیت‌های مادینگی در مردان و آنیموس خصوصیت نرینگی در زنان است.

سایه شامل غرایزی است که انسان در طی تکامل طبیعی خود از انواع پایین‌تر حیوان به ارث برده است که همان بخش پست و شبه حیوانی شخصیت را تشکیل می‌دهد؛ یعنی تمام تمایلات فعالیت‌های غیراخلاقی و هواهای نفسانی. یونگ معتقد است: «سایه برای تحقق تمایلات فوق که ما اجازه فعلیت آن را نمی‌دهیم انگیزشی در ما به وجود می‌آورد». خویشتن یعنی، کوشش و تلاش برای عدول از پراکندگی و رسیدن به اعتدال و وحدت که موجب انسجام شخصیت می‌شود. خویشتن، نیرویی است که تمام سازه‌های شخصیت را متصل به یکدیگر نگه می‌دارد و باعث تعادل، ثبات و وحدت شخصیت در فرد می‌شود، هدفی که همه مردم برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند، ولی به ندرت به آن دست می‌یابند. خویشتن، انگیزه برای رفتار آدمی برای تکمیل شدن شخصیت به‌ویژه از راه‌های مذهبی است. (قلی‌زاده کلان، ۱۳۷۶، ص ۹۱)

۳-۳. آلپورت

آلپورت به جای ناهشیار روی هشیار تمرکز دارد. او معتقد است که شخصیت بیشتر توسط حال و آینده هدایت می‌شود. شخصیت به صورت ساختار پویا متشکل از سیستم‌های روانی-جسمانی است که رفتار و افکار را تعیین می‌کند. شخصیت حاصل وراثت و محیط است و از تجربیات کودکی جداست. او صفات شخصیت را آمادگی‌هایی برای پاسخ دادن به شیوه‌های یکسان یا مشابه به محرک‌های مختلف در نظر دارد. به بیان دیگر، صفات، شیوه‌های باثبات و بادوام و شیوه واکنش دادن به محیط است. آلپورت ویژگی‌های صفات را این‌گونه معرفی کرده است:

- صفات، شخصیت واقعی هستند و در درون هریک از ما وجود دارند. آنها ساختارهای فرضی و یا برچسب‌هایی نیستند که برای توجه کردن رفتار ساخته شده باشند؛
- صفات، رفتار را تعیین می‌کنند یا موجب آن می‌شوند، آنها در پاسخ به محرک‌های خاص به وجود نمی‌آیند. آنها ما را برای یافتن محرک‌های مناسب برانگیخته می‌کنند و برای ایجاد رفتار با محیط تعامل می‌کنند؛
- صفات را می‌توان با تجربه ثابت کرد. با مشاهده رفتار در طول زمان می‌توان از ثبات پاسخ‌های فرد به محرک‌های یکسان یا مشابه به وجود صفات پی برد؛

- صفات به هم مرتبط هستند. با اینکه آنها ویژگی‌های متفاوت را نشان می‌دهند، امکان دارد که باهم هم‌پوش باشند؛

- صفات باتوجه به موقعیت‌ها تفاوت دارند. (شولتز، ۱۳۹۸، ص ۶۷)

آپورت معتقد است که شخصیت سالم از ارگانیزمی که در کودکی از عوامل زیستی تأثیر پذیرفته است به ارگانیزمی که در بزرگسالی از جنبه روان‌شناختی پخته است، تبدیل می‌شود. او شش ملاک برای شخصیت سالم معرفی می‌کند. بزرگسال پخته، خودپنداره‌اش را به افراد و فعالیت‌های فراتر از خود گسترش می‌دهد. انسانی که شخصیت سالم دارد با دیگران ارتباط صمیمانه برقرار می‌کند و درمقابل دیگران از خود دلسوزی و بردباری نشان می‌دهد. خودپذیری در شخص به او کمک می‌کند که به امنیت عاطفی برسد. او نسبت به خود و زندگی برداشت واقع‌بینانه دارد، مهارت‌های خود را پرورش می‌دهد و به نوع خاصی از کار متعهد است. خصوصیت خوش‌طبعی دارد و نسبت به خویشتن بصیرت دارد، در زندگی فلسفه یک‌پارچگی دارد و همین عامل او را به سمت هدف‌های آینده هدایت می‌کند.

۳-۴. فرانکل

فرانکل روان‌شناس وجودگرایی قرن بیستم و بنیان‌گذار معنادرمانی است که با نگرش مثبت به ماهیت سه‌بعدی انسان (جسم، روان و روح) و اصالت بخشیدن به بعد روحانی سعی داشت که نظریه جدید خود را استحکام بخشد. او با تأثیرپذیری از فیلسوفان وجودی مانند شوپنهاور و هایدگر بر این باور است که محور اصلی شخصیت انسان روح اوست و تن و روان مانند لایه‌ای آن‌را احاطه کرده‌اند. عناصر اساسی این ساحت روحانی یعنی، آزادی، معنویت و مسئولیت راهنمای انسان به سوی سلامت و سعادت هستند. بنابراین، سخن از ماهیت انسان بدون درنظر گرفتن یکپارچگی و تمامیت او در سه بعد جسم، روان و روح و سخن از سلامت انسان بدون توجه به هسته مرکزی شخصیت یعنی، روح، نیازها و عناصر اصلی ساحت روحانی سخن‌گزار خواهد بود. فرانکل در بیان نیازهای متعالی روحانی از شش نیاز اصلی پویایی اندیشه،

معناجویی، تعالی خویشستن، ابدیت، دین و گروه دوستی عاطفی یاد می‌کند و بنیاد شخصیت سالم را برپایه آن بنیان می‌نهد. (حسنی بافرانی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲)

۳-۴-۱. ویژگی‌های انسان سالم از نظر فرانکل

مختار: آزادی یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان است. همین خصوصیت، رفتار او را غیرقابل پیش بینی می‌کند. اگرچه انسان همواره در معرض تأثیر نیروهای درونی و برونی فراوانی قرار دارد، اما در انتخاب شیوه عملکرد به این نیروها آزاد است. (فرانکل، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸)

خودآگاهی: انسان موجودی خودآگاه و مسئول است. (فرانکل، ۱۳۷۲، ص ۸۱) انسان سالم همواره متوجه پاسخ‌گویی به هر وضعیتی است. وقتی انسان فرصت و توانایی گزینش آزاد را دارد در برابر آن انتخاب و نتایج حاصل مسئول است. فرانکل معتقد بود چنین انسانی زندگی را فقط به صورت یک واقعیت نپذیرفته است، بلکه زندگی را انجام وظیفه می‌داند که ازسوی کارفرمایی برایش صادر شده است. ازاین‌رو، مسئولیت او نه فقط آگاهی از وظایف زندگی، بلکه همانند سرباز پاسخ‌گو به کارفرماست. او نمونه عینی سلامت روان را در فرد مذهبی معرفی می‌کند (فرانکل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). این نگاه که انسان خود را همچون سرباز جبهه معنویت‌های روی زمین بداند نه تنها باعث این فعالیت نمی‌شود، بلکه او را فعال‌تر می‌کند؛ زیرا او وظیفه زندگی را دستورالعملی ازسوی قدرتی برتر می‌داند که با بهرمندی از آزادی و گزینش به آنها پاسخ مثبت داده است. آگاهی از وظایف باعث سازگاری بیشتر و تعامل سازنده‌تر شخص می‌شود؛ زیرا اگر انسان به این درک دست یابد که از محبت آگاهی داشته و به دنبال آن مسئولیت دارد در برخورد با پدیده‌های محیط پیرامون خود راه خویش را انتخاب کرده است و ارتباط سازگاران‌تری با مسائل زندگی برقرار می‌کند.

ارزش‌مداری: باور به یکتا بودن ویژگی هر انسان در وجود، وظیفه، مسئولیت و غیره این نتیجه را در پی دارد که معن در زندگی انسان امری منحصر به خود اوست و معنی زندگی هرکس یگانه است. آنچه از پژوهش و مطالعه رفتار میلیون‌ها انسان در موقعیت‌های مشابه و یکسان ثابت شده این وجه مشترک است که همه رفتارها و کنش‌ها در جهت آن صورت می‌پذیرد.

فرانکل این معانی را به صورت ارزش‌ها تعریف می‌کند. براین اساس، ارزش همان معناست، اما نه معنای شخصی، بلکه مفهوم کلی که از تجربه زندگی افراد متعدد انتزاع شده و هرکس می‌تواند در چهارچوب این مفهوم و با تنظیم برنامه زندگی خود بر مبنای آن معنای جزئی‌تر در زندگی خود کشف کند و به این صورت انسانیت خود را غنا بخشد. (فرانکل، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳) راه‌های تحقق معنا از نظر فرانکل عبارتند از:

- انجام کار ارزشمند که به آن وسیله در ارزش‌های خلاق به ظهور می‌رسند؛
- کسب تجربه‌های والا که از آن راه در ارزش‌های تجربی شکوفا می‌شوند؛
- شیوه تحمل درد و رنج که از این راه در ارزش‌های تجربی شکوفا می‌شوند.

شخصیت سالم، زندگی خود را مبتنی بر این سه نظام ارزشی طراحی می‌کند؛ یعنی آنجا که ممکن است با انجام کار ارزشمند، چیزی را به طبیعت عرضه می‌کند، آن‌گاه که لازم است تسلیم زیبایی طبیعت و هنر شده و تجارب والایی را از محیط دریافت می‌کند و آنجا که نه فرصت خلاقیت یافت و نه امکان دریافت تجربه از طبیعت برترین ارزش‌های خود یعنی، ارزش‌های نگرشی را به کار گرفته و حتی در سخت‌ترین شرایط ممکن معنا را در زندگی خود خواهد یافت. (آذربایجانی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴)

معناجویی: محور اصلی در نظریه فرانکل معناجویی است. معنا یک واقعیت است نه فقط نگرش حقیقت که همیشه خود را در شکل موقعیت مشخص و واقعی نمودار می‌کند که هر موقعیت، امکانی را در خود نهفته دارد. (فرانکل، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶) انسان سالم از هر امکان فراهم شده‌ای برای دستیابی به معنای مورد نظر استفاده می‌کند. این مهم نیست که از کدام راه و با در نظر گرفتن کدام یک از ارزش‌های سه‌گانه (خلاق، تجربی، نگرشی) به معنا دست یافته، بلکه آنچه اهمیت دارد این مسئله است که انسان سالم با کشف معنای زندگی خود به آرامش و سازگاری عاطفی می‌رسد (فرانکل، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶).

بی‌همتایی: هر انسانی به نوعی ناقص است؛ زیرا اگر همه انسان‌ها کامل و بدون نقص بودند به‌آسانی این قابلیت وجود داشت که شخصی جایگزین شخص دیگری شود. بنابراین، هر انسان، موجودی متفاوت از دیگران و یگانه و یکتاست.

وجدان: فرانکل حضور وجدان و ارتباط آن با منشأ ماورایی انسانی را امری مسلم می‌داند، اما تبیین کیفیت این منبع متعالی خارج از حوزه روان‌شناسی و مرتبط با هستی‌شناسی و الهیات است. او اشاره می‌کند که چنین مرجع مختاری را می‌توان خدا نامید. انسان موجودی انتخاب‌گر است و این توانایی به او داده شده است که ماهیت خود را همان‌گونه که می‌خواهد، شکل دهد، اما تعریف استانداردهای لازم برای این انتخاب خارج از قدرت اوست و نمی‌تواند برای خود قانون‌گذاری کند؛ زیرا صدور حکم مطلق فقط از موجود مطلق امکان‌پذیر است. این موجود مطلق، منبع متعالی است که این قدرت را دارد که هم قانون وضع کند و هم پاسخ‌گو باشد و در برون از وجود انسان قرار دارد و از راه وجدان با او در ارتباط است. (حسنی بافرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۸) همه انسان‌ها حضور وجدان را در خود می‌یابند و براساس آن به مسئول بودن خود پی می‌برند، اما تنها انسان‌های سالم خود را ملزم به پاسخ‌گویی به ندای وجدان می‌دانند. انسانی که متعالی بودن وجدان را پذیرفته است خود را دربرابر آن مسئول می‌داند.

۴. شخصیت سالم از منظر نهج‌البلاغه

از منظر اسلام، انسان در هنگام تولد دو ساحت جسمانی و روحانی دارد. ساحت روحانی، یک ساخت روانی اولیه به نام فطرت دارد. فطرت متشکل از عناصری مثل عقل و قلب است که مرکز شناخت و تشخیص درست از نادرست و به منزله چراغ روشنگری است که درون قلب را روشن و آماده فعلیت در دو حوزه شناخت و گرایش می‌کند. سلامت انسان در گرو هدایت تمام قوای نفس در مسیری است که انسان برای آن آفریده شده است. هرکس توانمندی بیشتری در سامان‌دهی این قوا و مهارانگیزه‌های نفسانی داشته باشد سلامت بیشتری در نفس و شخصیت دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «ارجمندترین افراد کسی است که هوس وی بر او تسلط

نداشته باشد» (نارویی نصرتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳۹). شخصیت انسان سالم یک کل منسجم و تجزیه‌ناپذیر است. سلامت روانی کامل زمانی محقق می‌شود که این سیستم و همه اعضای آن از بعد زیستی، عاطفی، هیجانی، شناختی، معنوی و اجتماعی هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. در رویکرد دینی این وحدت با آگاهی و برای حرکت به سمت منبع وحدت‌بخش و یکپارچگی یعنی، ایمان به خداوند متعال تحقق می‌یابد. انسانی شخصیت سالم دارد که علاوه بر هماهنگی بین مؤلفه‌های شخصیت او، همگی رنگ توحیدی و صبغه الهی داشته باشد؛ یعنی شناخت او نسبت به جهان هستی، توحیدی و انگیزه‌های او الهی باشد (نارویی نصرتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳۹).

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۳۴ نهج‌البلاغه به هفت تیپ شخصیتی شایع در بین مردم اشاره می‌کند: «زیبارویان کم‌خرد، بلندقامتان کم‌همت، نیکوکاران نازیبا، خردجسته‌های ژرف‌نگر، خوشنام بد سیرت، آشفته‌دل و فکری، دلیر و سخنور». ایشان بیان می‌دارد که تفاوت انسان‌ها در تفاوت مزاج‌ها، سرزمین‌هایی که آنها و پدر و مادرانشان رشد و نمو کرده‌اند و تأثیر محیط ریشه دارد. باوجود این عامل مهم و تعیین‌کننده در هر فرد، قدرت اراده اوست که به چه میزان از آن بهره می‌جوید و آن را به خدمت می‌گیرد (آذریابیجانی، ۱۴۰۰، ص ۴۳).

۵. خداباوری محور اصلی شخصیت سالم

شخصیت‌های سالم، درک و آگاهی درست و جامعی از نظام هستی، روابط حاکم بر آن و واقعیت آن دارند. آنها به جایگاه زندگی خود در نظام هستی، شناخت درخوری پیدا کرده‌اند. حاصل این شناخت برخورداری از فلسفه منسجم از زندگی است. (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۵۴) در مبانی دین اسلام، شخصیت سالم جهان‌بینی ویژه‌ای دارد. براساس آن، نظام هستی مبدأ و آفریننده‌ای دارد (ر.ک.، رعد: ۱۶) که اداره‌کننده همه آسمان‌ها (ر.ک.، کهف: ۳۹؛ ذاریات: ۵۸)، زمین و حتی حوادث طبیعی در زمین است (ر.ک.، سجده: ۵؛ یونس: ۳۱) و مبادلات انسانی (ر.ک.، اعراف: ۱۸۸؛ یونس: ۴۹) را براساس اراده و نیروی خود تنظیم می‌کند. هیچ پدیده‌ای در

هستی بدون رابطه با خالق روی نمی‌دهد. این نظام بر مبنای حکمت، عدالت و حرکت به سوی کمال اداره می‌شود. بنابراین، باور به هدف نظام هستی (بقره: ۱۵۶؛ هود: ۱۲۳) و بیهوده و تضاد فی نبودن آن (ر.ک.، مؤمنون: ۱۱۵) یکی از ابعاد رابطه فرد با هستی و آفریدگار آن است.

شناخت خداوند متعال با ارزش‌ترین شناختی است که هر انسانی می‌تواند به اندازه ظرفیت وجودی خود برای این شناخت تلاش کند. اهمیت این شناخت تا آنجاست که هدف نهایی خلقت و راز آفرینش معرفی شده است؛ زیرا انسان با کسب معرفت نسبت به ذات اقدس الهی و عبودیت و بندگی او به سعادت و کمال می‌رسد. (میرعینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲) در نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام عالم جلوه خداست و همه موجودات و مخلوقات جلوه‌گر عظمت و قدرت خداوند هستند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۰۸). اگر انسان خدا را به درستی باور کند، حضور او را در همه جا بپذیرد، گستره نعمت او را ببیند، در مقابل عظمت قدرت الهی سر فرود آورد، به او دل بسپارد و به محکم‌ترین تکیه‌گاه پناه ببرد به آرامش حقیقی دست می‌یابد (دلشاد، ۱۳۸۸، ص ۶۰). همه ارزش‌های شخصیت سالم بر اساس جهان‌بینی توحیدی او شکل می‌گیرد. رابطه با خدا به شخصیت انسان وحدت و انسجام می‌بخشد (سالاری فر، ۱۳۹۸، ص ۵۵). شناخت صحیح خداوند و حرکت در این مسیر سبب انسجام و وحدت شخصیت می‌شود. انسان موحد از یک انگیزه تأثیر می‌پذیرد و همه انگیزه‌های درونی و برونی خود را صرف به دست آوردن رضایت خدا و انجام دستورات او می‌کند. نگرش و بازخوردهای فرد نسبت به خدا یکی از ابعاد مهم بهداشت روانی و دستیابی به شخصیت سالم است و نباید نادیده گرفته شود (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۹۸). یکی از مهمترین راه‌ها برای نیل به این هدف، اعتقاد به خدای یگانه (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۹۹)، حفظ حرمت (رضی، ۱۳۸۴، کلمات قصار ۲۴۲) و ارتباط صمیمی و نزدیک با اوست (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۲۲ و ۱۲۴). انسانی که شخصیت سالم و به‌هنجار دارد معتقد است که خداوند محور هستی است و همه چیز به دست او رقم می‌خورد. چنین شخصی به هیچ وجه حاضر نمی‌شود نافرمانی خداوند را کند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۲۱۵). ایشان تصریح می‌کند که نگرش‌ها و بازخوردهای فرد نسبت به خدا بیشترین سهم و تأثیر را در بهداشت روانی دارد.

کسانی که رابطه خود را با خدا اصلاح کنند خداوند رابطه او با دیگران را اصلاح می‌کند (رضی، ۱۳۸۴، کلمات قصار ۸۹) (آذربایجانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۲۶). بنابراین، خداباوری و اعتقاد به اینکه خداوند تنها مؤثر در عالم هستی است (ر.ک.، بقره: ۱۱۶ و ۱۱۷) آثاری را به صورت هشیار و ناهشیار در تمام ساختار روانی انسان از شناخت‌ها، عواطف، هیجان‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند که در شکل‌گیری شخصیت سالم وی نقش مهمی دارد.

۶. آثار خداباوری در شکل‌گیری شخصیت سالم از دیدگاه نهج البلاغه

۶-۱. آثار فردی

۶-۱-۱. رفتاری

تواضع: امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان شخصیت انسان کامل می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که در نزد خود کوچک و در نزد مردم بزرگ و عزیز است». (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۲۴) تواضع که نقطه مقابل تکبر است از معرفت نسبت به باری تعالی نشأت می‌گیرد. شکل‌گیری این صفت حسنه در شخص موجب می‌شود که خداوند نعمت‌هایش را بر او تکمیل کند و باعث می‌شود چنین فردی در بین مردم محبوب باشد و سروری کند (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۲۴).

صبر: انسانی که به شناخت صحیح از خدا دست یافته و معتقد است که خداوند مقتدر و حکیم هر لحظه شاهد و آگاه بر افکار، اعمال رفتار اوست اگر برای کسب رضای الهی تسلیم اوامر او باشد و صبر کند برای تقرب و تقوای الهی گام برمی‌دارد و زمینه رشد و تعالی خود را فراهم می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارشی به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده، نیکو خصلتی است صبوری کردن در راه حق» (رضی، ۱۳۸۴، نامه ۳۱). در اهمیت صبر کردن در کلام حضرت علی علیه السلام همین بس که ایشان صبر را علت ایمان معرفی می‌کند: «بر شما باد که صبر و بردباری پیشه کنید؛ زیرا همان‌گونه که سر، نشانه حیات بدن است صبر نیز دلیل ایمان است و بدنی که سر در آن نباشد خیر و حیات در آن نیست و ایمانی که توأم با صبر نباشد خیر و حیات در آن نیست و ایمانی که توأم با صبر نباشد ارزشی ندارد» (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۸۲).

تلاش: انسان بهره‌مند از شخصیت سالم، جوهر تلاش و کوشش دارد و کامیابی‌ها و موفقیت‌های خود را علاوه بر توفیق الهی مرهون زحمات و تلاش خود می‌داند. از نگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) کار و تلاش راهی برای رسیدن به آرامش است: «کار کنید رحمت خدا بر شما باد، با توجه به نشانه‌های آشکار حق کار کنید؛ زیرا که این راه روشن شما را به سوی آرامش (بهشت) می‌کشاند و شما در سرایی هستید که از روی فرصت و فراغت می‌توانید خشنودی پروردگار را به دست آورید» (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۹۴). ایشان پایان تلاش را سعادت‌مندی (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۷۶) و ارزش هرکس را به اندازه کار نیکی می‌داند که انجام داده است (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۸۱).

شکرگذاری: انسانی که سلامت روانی دارد و شخصیت او در مسیر طی کمال است به این آگاهی و درک رسیده است که وجودش و هر آنچه از نعمت‌ها که او از آن بهره‌مند است از لطف و مهربانی بی‌انتهای الهی است. چنین فردی درمقابل پروردگار شاکر است. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «خدای بزرگ را به پاس بخشیدن نعمت‌هایش می‌ستایم و در انجام فرمانش از او یاری می‌جوییم» (رضی، خطبه ۱۹۱). همچنین می‌فرماید: «انسان شاکر از نعمت بیشتری برخوردار خواهد بود» (رضی، خطبه ۱۳۸۴، حکمت ۱۳۵).

عدم حسادت: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) حسد عامل و علت ارتکاب گناهان است. (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۳۷۱) اثر حسادت حتی سلامت جسمانی افراد را مختل می‌کند (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۲۵). از دیگر نتایج سوء حسادت این است که دوستی بین افراد را به تباهی می‌کشاند و آن‌را کم‌رنگ می‌کند (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۱۸).

بری بودن از طمع: یکی دیگر از خصوصیات انسان برخوردار از شخصیت سالم از نظر حضرت علی (علیه السلام) دور بودن فرد از حرص، طمع و آزمندی نسبت به دیگران و مسائل دنیوی است. انسان طمع‌کار، نفس خود را به حقارت و پستی می‌کشاند و تن به ذلت می‌دهد (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲). همین ویژگی رذیله در شخص، پرتگاه عقل و خرد اوست (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۱۹).

دوری از خشم: حضرت علی علیه السلام انسان را از خشم تحذیر کرد؛ زیرا آن را از جنود شیطان می‌داند. (رضی، ۱۳۸۴، نامه ۱) ایشان این نکته را نیز متذکر شد که این دنیا سرای جاودان نیست و ارزش خشم و غضب را ندارد (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۷۳). باید به این مسئله توجه کرد که هر خشمی نکوهیده نیست. وقتی انسان برای سرپیچی از اوامر الهی و نافرمانی در برابر خداوند خشمگین می‌شود ارزشمند و پسندیده است (رضی، ۱۳۸۴، نامه ۳۸).

۶- ۱- ۲. روحی-روانی

آرامش روانی: هراندازه یاد خدا در دل انسان فزونی یابد و هرچه عظمت الهی در روح انسان جلوه کند ظرفیت روانی انسان بیشتر می‌شود و به همان اندازه این قابلیت در او شکل می‌گیرد که ثبات روانی و شخصیت سالم داشته باشد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد: ۲۸) خداوند درنظر چنین فردی بزرگ و مقتدر است (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۹۳ و حکمت ۱۹۲). چنین شخصی چه در پیدا و چه در خفا خداوند را ناظر و بیننده اعمال خود می‌داند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۰۹) و بر چنین موجود بی‌همتایی که محدود به زمان و مکان نیست (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۶۵) و هر لحظه او را نگهبان است با آرامش تکیه می‌کند و توکل در قلب او شکل می‌گیرد و سکینه و آرامش برای او به‌ارمغان می‌آورد (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۸۳، حکمت ۳۲۴).

خودآگاهی: شخصیت‌های سالم به درک عمیقی از خویشتن، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خود دست یافته‌اند. چنین سطحی از شناخت باعث می‌شود که انسان از دو اشتباه اجتناب کند: او نسبت به نقاط ضعف خود واقف است و نه در مورد آنها اغراق می‌کند و نه آنها را کوچک و دست‌کم می‌شمارد. حاصل این فهم و درک در مرتبه نخست باعث پذیرش خود می‌شود و در مرحله بعدی به‌فعلیت رساندن ظرفیت‌های وجودی وی را به‌دنبال دارد. از دیدگاه حضرت علی علیه السلام خودآگاهی که منجر به پذیرش خویشتن می‌شود (رضی، ۱۳۸۴، کلمات قصار ۴۹) باعث می‌شود فرد دید واقع‌بینانه‌ای به خود داشته باشد و هیچ موضوعی را مهم‌تر از اصلاح عیب‌های خودش نداند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۷۵). ایشان یکی از عوامل نرسیدن به رشد و تعالی و غافل شدن از خویشتن را پیروی از هوای نفس می‌داند و انسان را به مبارزه و تسلط بر

آن فرامی‌خواند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۷۶). انسانی که بر هوای‌های نفسانی و هیجان‌های خود مسلط نشود شخصیت سالم نخواهد داشت (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۸۶).

اندیشه‌ورزی: ازمنظر امام علی (ع) یکی دیگر از ویژگی انسان رشدیافته و سالم، داشتن قوه تفکر و تعقل است. ایشان می‌فرماید: «هیچ دارایی سودمندتر از خرد نیست» (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۱۱۳). اهمیت خردورزی تا آنجاست که حضرت می‌فرماید: «خداوند واجب فرمود ترک شرب خمر را برای نگهداری خرد» (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۵۲). ایشان تعقل‌ورزی را راه و روشی برای طی کردن صحیح مسیر زندگی برمی‌شمارد که موجب نجات انسان از سقوط در سیاه‌چال‌های گمراهی می‌شود (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۵۳) و غفلت از تفکر و تعقل را نکوهش می‌کند (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۲۲۴).

عزت نفس: عزت نفس یعنی، شخص از درون برای خودش ارزش قائل باشد. این امر زمینه‌ساز این توانمندی است که انسان ادراک درستی از همه ابعاد زندگی داشته باشد و باعث می‌شود انسان در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی برخورد صحیح و اصولی داشته باشد. امام علی (ع) یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن را داشتن عزت نفس می‌داند: «همانا انسان مؤمن دنیا را بر دیده عبرت می‌نگرد، شکم را با مقدار رفع نیاز سیر می‌کند و آهنگ دلربای آن را با خشم و کینه می‌شنود» (رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۳۶۷). ازمنظر ایشان انسان کرامت دارد؛ زیرا خداوند به فرشتگان فرمان داد تا در برابر آدم سجده کنند و این دلیلی بر کرامت و عزت نفس انسان است.

۱-۳. آثار اجتماعی

امام علی (ع) انسان دارای شخصیت سالم را در ارتباط با دیگران و اجتماع چنین معرفی می‌کند:

دید مثبت به دیگران: داشتن نگاه مثبت به دیگران و پرهیز از توهین و کوچک شمردن سایرین یکی از محورهای اصلی بهره‌مندی از شخصیت دارای سلامت روانی و شخصیت رشدیافته سالم است. چنین انسانی از هرنوع گفتار و عملی که سبب آزار و اذیت و توهین و خودارزشیابی منفی نسبت به دیگران باشد، اجتناب می‌کند. (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۷۵)

تعهد و احساس مسئولیت: مسئولیت‌پذیری و تعهد و خدمت به خلق، یکی دیگر از شاخص‌های سلامت شخصیت انسان است. (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۳) از دیدگاه حضرت علی (ع) افرادی با این صفت نیازی به تأیید شدن از سوی دیگران ندارند. دوستی و مهربانی به سایر انسان‌ها، اهتمام به مردم و جامعه و احساس مسئولیت نسبت به آنها، اهمیت دادن به بستگان و روابط خوب با اعضای خانواده که نزدیک‌ترین افراد به او هستند ملاک سلامت شخصیت است. برقراری روابط صمیمانه و نزدیک با تعداد اندکی از افراد، مبتنی بر علائق، ارزش‌ها و تفکرات ویژه شخصیت سالم است، البته روشن است که همین امور موجب این می‌شود که افراد سالم با برخی انسان‌ها که مخالف ارزش‌های انسانی و اخلاقی هستند رابطه نزدیکی نداشته باشد و در موارد لازم به مقابله با آنها به شیوه مناسب بپردازد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

صمیمیت و مداومت در دوستی: از منظر امام علی (ع) انسانی که شخصیت سالم دارد به دوستی خود با سایرین ارزش و اهمیت می‌دهد و در آن ثبات دارد، در انتخاب دوست دقت و تأمل می‌کند و این ناشی از بعد اول شخصیت او یعنی، نگاه توحیدی و بعد دوم یعنی، دیدگاه جامع به خویشتن و شناخت خود حاصل می‌شود. این امر باعث وحدت، یکپارچگی و حرکت او برای رضا و تقرب به درگاه الهی می‌شود. شخصی با این مشخصه هنگامی که با دیگران رابطه دوستی برقرار می‌کند در دوستی خود پایدار است (رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۷۵). انسانی با این ویژگی شخصیتی، در ارتباط اجتماعی و بین‌فردی موفق‌تر و کارآمدتر ظاهر می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

شخصیت یکی از موضوعات مهم و اساسی در علم روان‌شناسی است. تأمل در نظریات روان‌شناسان نشان‌دهنده این امر است که آنها در معرفی شخصیت سالم نظریه واحدی ندارند و این اختلاف از تفاوت در مبانی فلسفی و انسان‌شناختی ناشی می‌شود. اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است به شکل دهی شخصیت سالم و روبه کمال تأکید می‌کند. نهج‌البلاغه

که بعد از قرآن جامع‌ترین کتاب است می‌تواند منبعی برای درک موضوعات روان‌شناسی ازجمله شخصیتی و ابعاد آن باشد. از نظر ایشان، عالم جلوه خداست که همه موجودات و مخلوقات جلوه‌گر عظمت او هستند. اگر انسان خدا را به درستی باور کند و حضور او را در همه عرصه‌های زندگی خویش بپذیرد و در مقابل قدرت الهی سر فرود آورد به او دل می‌سپارد و به آرامش حقیقی دست می‌یابد. نگاه توحیدی زمینه‌ساز انسجام نظام شخصیت انسان است. همین امر او را در رسیدن به کمال و عالی‌ترین رتبه رشد شخصیت و سلامت انسان یاری می‌کند. از نظر امام علی علیه السلام انسان بهره‌مند از سلامت روان، نگاه واقع‌بینانه نسبت به خود دارد. این بینش باعث می‌شود که او نقات قوت و ضعف خود را بشناسد و به خودآگاهی دست یابد. چنین شخصی که قوه تعقل و تفکر دارد از جوهره تلاش برای رسیدن به کمال مطلوب مدد می‌جوید و از صفاتی مانند شکرگزاری و عزت نفس برخوردار است و از رذایل نفسانی مانند حسادت، تکبر، طمع و خشم به دور است. او در ارتباط با دیگران دید مثبت دارد، نسبت به آنها احساس تعهد و مسئولیت می‌کند و در دوستی با آنها صادق است و این دوستی پایدار و ثابت است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: دارالقرآن.
۱. آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۰). روان‌شناسی در نهج البلاغه مفاهیم و آموزه‌ها. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. حسنی بافرانی، طلعت (۱۳۹۰). انسان سالم و ویژگی‌های آن از دیدگاه ویکتور فرانکل. قم: پاتوق فردا.
۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). تربیت در نهج البلاغه. تهران: دریا.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رحیمیان بوگر، اسحاق (۱۳۹۲). مطالعه اثربخشی آموزه‌های نهج البلاغه بر ارتقای سلامت روان دانشجویان. نشریه نهج البلاغه، شماره ۶۵، ۴۲-۲۵.
۶. رضی، محمد بن حسین بن موسی (۱۳۸۴). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۷. سالاری‌فر و همکاران (۱۴۰۰). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. شولتز، تئودور (۱۳۹۸). نظریه‌های شخصیت. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ویرایش.
۹. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۶). انسان در جست‌وجوی معنی. مترجمان: صالحیان، نهضت، میلانی، مهین. تهران: انتشارات درس.
۱۰. قلی‌زاده کلان، فرض‌الله (۱۳۷۶). روان‌شناسی شخصیت. تهران: نشر هادی.

۱۱. میرعینی، رضا (۱۳۸۴). تفسیر موضوعی نهج البلاغه. قم: نشر کوثر.
۱۲. نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۹۹). علم النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.